

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیة (جبل المتین)

(عنوان مراسلات)

طهران خیابان لاله زار
نائب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اقا شیخ یحیی کاشانی

غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیة

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخله ۳۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ مانت
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت يك نسخه)

در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه هاهی است
قیمت اعلان مطری
دو قران است

روزنامه یومیة ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

باعتنا قبول و درانتشارش اداره آزاد است

یکشنبه ۱۰ جمادی الاخری ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲ مرداد ماه جلالی ۸۲۹ و ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۷ میلادی

راجع بسفارت روس

(مکتوب شهری)

در روز نامه صبح صادق بتاريخ پنجم ج ۲ يك مقاله در خصوص ملك التجار و تفصیل رفتن او بسفارت روس با كمال تعجب خواننده و همچنین همان تفصیل را در سبك دیگر در روزنامه جبل المتین شماره هفتاد طبع و نشر کرده و دند مدیر هر دو روز نامه گویا در این باب تحقیقات كمله کرده باشند آنچه از اهل شمیران مسئله را عینا بالمشاهده بمخلص نقل و حکایت کردند عرض میدارد ملك التجار كه با تقلبات متعده خود در تمام ایران و ملكه پاره جهای فرنگستان مشهورند برای جواب دادن متظلمین را آستا را بموجب يك قطعه احضار نامه بوزارت عدلیه احضار میشود چون حالا آزادی داریم و معنی آزادی این شكل میفهمیم كه بهیچكس بی اطاعت یكنیم ملك التجار بدعوت اجانت میکند و احضار نامه را با چند كالمه اوباثانه چنانچه از عادات ممتاز خودشان میباشد بفرایش پس میدهد روز دوم وزیر عدلیه دو مرتبه مشارالیه را احضار مینماید و شفاها بیفام میدهد كه در صورت عدم اجابت او را قانونا با قوه جبریه در دیوانخانه عدلیه حاضر حوهم نمود چون ملك التجار این دفعه هم جواب متخرف میدهد چند نفر فرانش بایك نفر سید سوار اسب و درشكه شده مامور میشوند كه ملك لتجار را به دیوانخانه عدلیه حاضر كنند مامورین مزبور به عصر ملك رسیده حاجی ملك را میخواهند بهیرند بشهر از قرار كه بما اخبار شده است نایب فرانشها نمیدانم بچه دلیل عوض اینکه سوار درشكه بشود اجازه

داده كه ملك التجار سوار اسب خودش با يك جلودار تشریف فرما شوند از همراهی سید مامور كه او هم سوار اسب بوده است فرانش های دیگر سوار درشكه شده از دم سفارت روس بشهر هر كت میکنند تردیدك بسفارت روس ملك التجار به بهانه اینکه اسبش ناخون می بندد شلاق را از جلو دار خودش گرفته به مامورین وزارت عدلیه تمهیدات را بآمده تاخت آورده فرزند كنده بسفارت خانه روس میخواهد خود را برساند در آن بین دوتفر از مامورین عدلیه كه سوار اسب بودند او را تعاقب میکنند جلو دار ملك التجار مقاومت میکند از زمان فرانشها از درشكه پیاده شده جلودار اكنك زده زخم هم میرسانند و از قرار كه میگویند چند عدد تیر طیانچه خالی میشود و معلوم نیست از طرف كسی خالی شده است و باین وضع فرانشها دست بقصداره کرده میرسند تادم سفارت روس دوتفر از آنها كه سوار اسب بودند در سفارت داخل شده یکی از آنها از طرف غلامها و سرباز قراولی سفارت دست گیر شده قراره اش را از دستش میگیرند و دستش هم زخمی میشود در همان جا حبس مینمایند و غلامهای سفارت تا دم خانه مخبر الدوله جلو دار ملك التجار و فرانشهای سواره درشكه و سید اسب سوار را كه رو بشهر تاخت میرفتند تعاقب میکنند چون پیاده بودند دست گیر نكرده معاودت مینمایند

بنابر شكایت رسمی وزیر مختار روس با وصف اینکه مامور مقصر را حبس و تنبیه نموده اند وزیر عدلیه يكشنبه گذشته بسفارت روس رفته از این و الهه اسف آمیز مندرت میخواهد ملك التجار هم در زیر حمایت بیرق روس

میمانند - معلوم
بین الملل هیچ
داخل يك سفارت
باشد يك نفر
به سفارت مقبول
آن سفارت داده
رسد مسامحا
مشروطه غیره
كه بخواهند دست
جبریه بوزارت
باید باشد فرانش
يك دولتی میشود
حال بموجب
ندارد داخل و در
بسفارت خود
از این جهت حق
گرفته از مساجد
مملكت حتی توپ
سفارت های
میتواند حمایت
تمام دول
كره زمین بست
بمردم تمامیا
مهربان مانند
برای هر افراد
مضایقه ندارند
برای رفاه و
شب و روز آبی
عقب بست بگردند
اربابش را می
نمی تواند او را
مؤاخذه نماید
زخمی میکند یا
می نشیند نظمی
گرفته به مجازات
این است كه نظر
است بادولت عليه
راضی نخواهند شد
جدیده وزارت
حاجی ملك را بد

میماند — معلوم عامه است که بموجب معاهدات و قوانین بین الملل هیچکس حق ندارد قداره برهنه دست گرفته داخل يك سفارتی بشود و حتی حکومت محلی خواسته باشد بکنفر رعیت خارجه را دستگیر نماید باید اول به سفارت متبوعه اش اطلاع داده باحضور بکنفر اجزای آن سفارت داخل خانه آن رعیت خارجه بشود تاچه رسد مسامحا داخل يك سفارت شدن در هر مملکت مشروطه یا غیر مشروطه احضار نامر افراش میبرد اما ملک مقصرا که بخواهند دستگیر نمایند و یا یک شخص را قانونا باقوه جبری بوزارت عدلیه بیاورند این کار راجع به پابیس قانون دان باید باشد فراش عقلت نرسیده کاری میکند که موجب افتضاح يك دولتی میشود

حال بموجب قوانین بین الملل هیچ سفارتی حتی ندارد قاتل و دزد و رشکست و امثال این گونه مقصرین را بسفارت خود راه داده از آنها حمایت نماید اما افسوس که از این جهت حق مؤاخذنه نداریم زیرا در يك مملکتی که گرفته از مساجد خانه متشخصین طویله هر وزراء و امراء مملکت حتی توپ مروارید محل بست میباشد باین وضع سفارت های دول متحابه آن مملکت هم از تحصنین میتواند حمایت نماید قرن هاست که این مسئله بست در تمام دول ستمدنه متروک شده و غیر از ایران در هیچ نقطه کره زمین بست گاه ندارند بست در صورتی است که بمردم متسادیا ظالم و تعدی بشود در زمانیکه پادشاه عادل مهربان مانند اعلیحضرت محمد علی شاه قاجار که از برای هر افراد رعیت خود از هیچ بابت محض آسایش مضایقه ندارند در زمانیکه مجلس مقدس شورای ملی برای رفاه و سعادت تمام اهالی ایران به اتفاق وزراء شب و روز آبی غفلت ندارند چه دلیل دارد که مردم عقب بست بگردند مگر تحریکی نباشد مثلا نواری یول اربابش را می دزدد میرود بست می نشیند حکومت نمی تواند او را از بست گاه بیرون آورده شرعا و قانونا مؤاخذنه نماید فلان مشهدی شب شرارت کرده کسی را زخمی میکند یا میکشد فوراً در طویله فلان خان بست می نشیند نظمی حق وان اقتدار را ندارد که او را گرفته به مجازات برساند باین همه تفاسل عقیده مخلص این است که نظر به دوستی و اتحادیکه دولت روس سالها است بادولت علیه ایران دارند وزیر مختار روس هرگز واضی نخواهند شد خودشان سبب بشوند قوانین مؤسسه جدید وزارت عدلیه از ابتدای کار بهم بخورد لابد حاجی ملک را بدیوانخانه عدلیه تسلیم خواهند نمود

امضاء (یکی از مشترکین)

حبل المتین

از نگارنده محترم مکتوب که یکی از مشترکین روز نامه ما است نهایت متشکریم که همیشه در کمال بی طرفی عقاید اصلاح خواهانه خود را عبارات ساده بمایان مینماید مخصوصا در این مورد که بقییده ایشان اشتباهی از ما سر زده و مطلب اندکی باو ابع اختلافی پیدا کرده است و عمده مستند ما بملاوه قول وقایع نگار و شهرت نامه بین ناس مندرجات روزنامه مبارکه صبح صادق بود که عینا همین داستان را حاکی است

لکن باید دانست که اصل مقصود ما آنستکه سفیر روس حق ندارد در این مورد مطالبه معذرت خواستن بنماید يك نفر فراش اگر از روی نادانی و جهالت و خوف از مسئولیت با حربه وارد سفارت روس شد تکلیف سفیر آن نبود که او را سیاست و مجازات کند و مدان کتک زیاد او را حبس نماید و سایر مامورین را که فرار کردند ناقلمک تعاقب نماید خوب وقتیکه سفیر خودش بنفسه مجازات فراش را مینماید دیگر چه حق دارد از و زیر عدلیه توقع نماید با لباس رسمی بسفارت رفته معذرت بخواهد بلی اگر این حرکت بقانون را نکرده بود و مامورا بدون کتک زدن و حبس کردن بحکومت تسلیم میکرد چنین حقی داشت ولی با این حرکت بیقاعده که مفایر قوانین بین الملل است ابدأ چنین حقی برای او باقی نماند — این سفراء خودشان هر عملی را که بدترین خاها باشد اگر مرتکب شوند احدی نباید اعتراض کند لکن بمجرد آنکه بسم اسب ایشان بی حرمتی شد انوقت است که آسمانها سر نگون میشود و کره زمین از هم متلاشی میگردد خوب بود قدری از این قدرت را در جنک اقصای شرق بخرج میدادند و شرق دست خود را نشان مردم داده انهمه رسوائی و افتضاح بار نمیآوردند

تقصیر از او نیست کتاه بر کردن کسانی است که او را بر داشته بحضور همسوی بی برده تصدیق بر حقایقت می نمایند و دستخط صادر میکنند که وزیر عدلیه حتما باید رفته معذرت بخواهد حتی وقتیکه با لباس سیاه میرود قبول نکرده مطالبه لباس تمام رسمی میکنند و دین و وطن را بیسائی بخش میفر و شد هر مانی که بعد از امتحان ثنیا فریب بخورد و خود را بچنگل پلنگ خون آشام بسپارد البته مستحق چنین مجازات و هزار درجه بالا تر است

امان از خیانت فریاد از بد نفسی و بی شرفی فلان از خباثت باطن الله الله ا مکر ما بد بختان سیه روز کار بدر گاه حضرت احدت چه تقصیر کرده ایم که مستحق

اینهمه عقوبات شده ایم — اما سفیر روس باید بداند که این نوع اقدامات را که بنظر خودش قدرت و نمودت متبوعه او را در ایران زیاد میکند نتیجه جر انزجار خاطر و تنفر قلوب يك ملت نیست چه معنی دارد بکنفر سفیر سفارتخانه خود را که محترم است پناهگاه دزدان و اشرار سازد و جدأ در صدد آشوب و فساد برآید و اموال مردم را بر باد دهد و سد ابواب معامله و تجارت را نموده انقلاب در مملکت افکنده باعث تولید هزار اشکال نمود — مگر سفیر بایران آمده که امور داخله ما را مفلوس کند و بواسطه پناه دادن بدزدان بازار دزدی و مال مردم خوری را رواج بدهد در این مواقع که تازه بنای اجراء قانون است و ایران دارد کم کم مملکت قانونی میشود سفیر يك دولت همجوار که اظهار دوستی میکند سزاوار نیست تا این درجه جاوگیری از احقاق حقوق نماید و ملت را مجبور کند که رسماً خبر بدولت روس بدهد که سفیر خود را تنفیر بدهد و عانا اظهار شکایت نمایند که داخله ملک ما را از نظم انداخته است سفیر لا اقل شئون دولت متبوعه خود را باید ملاحظه کند و اینقدر شورش طلبی را تولید نماید از یکطرفی حرکت قواصل تبریز از یکطرفی ضبط کردن راه آستارا را بناحق از طرفی زیاد کردن قیمت بلوط راه آهن اینهم کار خود سفیر که بکند ز در پناه داده و سخت حمایت میکند آخر الامر کار را بجائی خواهد رسانید که بمجلس صالح لاهه و سایر مراکز رجوع شود مگر تنها در ایران يك سفیر روس متوافق است چرا سایر سفراء و وزراء مختار پیرامون این حرکات نمیگردند آیا قوه روس از انگلیس بیشتر است آیا نظام روس از نظام آلمان بهتر است آیا قانون دانی روسها از فرانسها زیاد تر است چرا اقتداء بانها نمیکند چرا دست از سرما برنمیدارد تحمل تا کی حوصله تا چند؟ خدا میداند اینکارها عاقبت خوش ندارد شخص عادل باید آخر بین باشد و غم فوری را ملاحظه نماید آخر فرض کنید یکوزیری مثل عین الدوله روی کار آمد و دست و پای شما را جمع کرد انوقت با این تنفر طبایع يك ملت حال شما چگونه خواهد بود اینقدر تاخت و تاز لازم نیست مهلا مهلا قدری آهسته تر ، کشتیهای ژاپون طیار است افشوش حاضر خوب است اندازه با او دست و پنجه نرم کنید و جزیره سخالین را استرداد نماید و اما برای روس خیلی کسر است نصف جزیره بزرگ سخالین را از ترس ژاپون واگذار کند این قزاق را از سر حد آستارا بر داشته بسر حد منچوریا بفرستید اینجا قشون لازم ندارد ژاپون بی پیراسته مفر سر آدم را با تخساق داغون میکند گویا گرفتن منچوروی از حمایت حاجی

ملك لازمتر باشد — جناب سفارت پناهی بداند که دیگر دولت روس ان صلاحیت و هیبت اولیه را که حکم کرده است پیدا نخواهد کرد چنانی باز شد و هر چه در ملك بود بچمچه آمد سه ماه قبل از این چرا این نوع رشادت نمیگردید مگر تازه رج داده ۱۱۱ نرهای عدالت امروز بروی اهل علم باز و ملت ایران تازه چشم کشود کرده است طوری خواهد شد که اطفال ایرانی با عداوت روس نشو و نما خواهند کرد و عاقبت ان معلوم است چه میشود انوقت می بینیم حمایت يك دزد بهتر است یا جناب قلوب سی کرور نفوس ؟

(راپورت زنجان)

واقعه که در ۱۳ شهر حمادی الاولی اتفاق افتاده ازین قرار است از آنجائیکه چند نفر از فرانسهای حکومت ماور بگرفتن شیخ هدی و شیخ ابراهیم و شیخ عبدالله پسران شیخ رحیم که عمده تقصیر اینها انکار نمودن طر حاجی عالی آقا نام طهرانی و هزار تومان وجه برات تاجر تبریزی بود و انواع شیطنت و شرارت آنها کشف شده بود فرانسها بی این سه نفر در گردش بودند یکی از فرانسها که سید بود در درون خانه خود شیخ عبدالله را گیر آورده میخواهد بدو انضواء برد شیخ عبد الله خودش را از دست سید فرانس رهائی داده خا آخوند ملاقرابعلی بست نشین میشود و کسان آقا را از این واقعه خیر داده ملازمان آقا که یکی اجابرو او باش اند فوراً جماعتی فراهم آورده بسر سید فرانس بیچاره ریخته آنچه لازمه کمک کاری بوده در حقیقت مضایقه نداشته و چند زخم قه باو وارد آورده و سیدش را بریده میکوبند بروی سید السلطنه خیربیر آنها باحالت فلاکت آمده موقوف را عرض میرساند آنها هم باقتضای حکومت در صدد تلای این بی احترامی بوده سید بشیر نام از نوکرهای آخوند ملاقرابعلی در میدان حکومتی باسمه السلطنه رو برو سید بشیر را گرفته بملاحظه تلای چند تلای سید بشیر زده بواسطت نوید السلطنه تدگریچی رها میکند چون این خبر را بخود آقا میدهند بمفرمایند که فردا باید حکومت تبریز شود ملازمان سیدانه طلال و سادات را خبر میکنند که طری صبح جمع باشید حکم آقا بر این است که باید حکومت تبعید شود حتی شبانه بقریه دزرج و غیره خبر میدهند که تا صبح در شهر حاضر باشند حکم جهاد خواهم داد صبح چهار شنبه ۱۴ ماه طلال مسجد هادی باستانه چند نفر و تیمه و کسان آخوند که تقریباً شصت نفر میباشد مکمل و مسلح گردیده هر که اسلحه داشت از تفنگ و قه و قداره و شش لول و چوب و چماق هر که نداشته سنگ بدان جمع کرد اول مین بازار افتادند

صبحی کم و بیش که در
چکانها را بسته هر چه
خوانیها رفتند
بعد از مر
جمع شده منتظر
میدان توپخانه یک
هرقی میدان توپخانه
چند نفر سرباز و
سپرده بودند که میا
تفنگی خالی نمایند نا
انداخته و تحریک
نمودند ولی از طر
بعضی ها را ترغیب
اشاره نموده فوراً
کردند تا کار بتفنگ
بازار که مشروطه
حضور نداشتند ولی
مؤمن مقدس بود
اطلاع نداده از
میدان جزو تماشا
مشروطه طلب اس
کوله تفنگ نموده
کردیده و رفیق
زدند او هم نیم
را از هر طرف
رفت دو سه تیر تفنگ
مستقیم را ترسانند
دو قطار بکمر و
به پشت بام انداخته
از پشت بام فرار کرد
حکومت ریخته اول
هجوم باندرون عمار
محش نمودند ملا
چند تیر باطوق حکوم
اوطاق خلوتی کبر آ
و دوش وارد آورده
فرانس همیشه در
بنوعی از دست اینها
کار حکمران را باختند
که قابلیت نداشت بردن بای
دولتی و چار چوب
از غارت و خرابی عمارت

صبحی کم و بیش که دکان باز کرده بودند بضر چماق و دانه برهنه
دکانها را بسته هر یکی در گوشه مخفی بودند بعضی بروضه
خوانیها رفتند

بعد از مراجعت از بازار در درب خانه آخوند
جمع شده منتظر حکم آقا یکدفعه آقا فرمودند بروید
میدان توپخانه یکساعت از آفتاب گذشته رفتند درست
هرقی میدان توپخانه صب آرائی نمودند از انطرف سمد السلطنه
چند نفر سرباز و فراول دم درب خانه داشتند بایشانهم
سپرده بودند که میادا خطائی از دست شما صادر شود و یا
تکنیکی خالی نمائید تا که از انطرف اطفال آری از عقل رابیش
انداخته و تحریک بسنگ انداختن و فحش عرضی دادن
نمودند ولی از طرف حکومت اصلا حرکتی نشده بلکه
بعضی ها را ترغیب نموده بجهت خیانت دولت باینطرف
اشاره نموده فوراً چند تیر شش لول بی هم خالی
کردند تا کار بتفنگ رسید در این بین اگر چه کسبه
بازار که مشروطه طلب بودند از این ترس هیچکدام
حضور نداشتند ولی بد بختانه نصر الله نام کاتب که مرد
مؤمن مقدس بود و از موضوع و معمول باندازه
اطلاع نداشت از مجلس روضه خانی مراجعت نموده در
میدان جزو تماشا چپها بوده بجزد دیدن بجرم اینکه
مشروطه طلب است کسان آقا عمداً بیچاره را هدف
کوله تفنگ نموده باسلة نیم ساعت بدرجه شهادت فایز
کردیده و رفیق همین جوان را هم یک کوله تفنگ
زدند او هم بیم هلاکت دارد کسان حکومت راه چاره
را از هر طرف مسدود دیده دو سه نفر پشت بام
رفت دو سه تیر تفنگ هوائی خالی کردند که شاید
مستبدین را ترسانده باشند تا که سید حلیل نویسی عامه با
دو قطار بکمر و تفنگ مکنز در دوش چند تیر تفنگ
به پشت بام انداخته آن دو سه نفر هم از ترس سید
از پشت بام فرار کردند جمعیت با قاره رچوب بدستگاه
حکومت ریخته اول فانوسهای الاقا بو را شکستند بعد
هجوم بانسرون عمارت آورده بهر جا رسیدند فای
محض نمودند ملا شعبان نام توی حوض سنگر نموده
چند تیر باطوق حکومت انداخته سمد السلطنه را میان
اوطاق خلوتی کبر آورده چند زخم قه و قداره از سر
و دوش وارد آورده بعدیکه مشرف بموت شد نی نام
فرانش همیشه در دست و پا نموده سمد السلطنه را
بنوعی از دست اینها خلاص بیخانه وزیر برد همینکه
کار حکمران را ساختند مشغول تهبب اموال شده حتی چاروب
که قابلیت نداشت بردند باینها اکتفا نکرده در کامهای اولیای
دولتی و چار چوبه در را غارت کردند بعد که
از غارت و خرابی عمارت دولتی فارغ و مطلع شدند حکومت

در حاکم وزیر است قصد غارت انجا را نموده در این
بین کسان اسعد الدوله بهر نحو بود مخالفت کرده سید
عبد الواسع نام از کسان آقا سوار اسب سفید با چهل
و پنج اسب نفر پیاده اراذل همه اسلحه در دست
سمد السلطنه را توی کالسه گذاشته از شهر بیرون کردند
سمد السلطنه در عالم غش خانه وزیر مشرف بموت که
خشک گردن خون زخمهایش ممکن نمیشد آخوند پانزده
نفر از کسان خود را بی در پی میفرستد که انجا نمانند
بروه هر چه وزیر اصرار میکرد که مشرف بموت است
قبول نکردند

امضاء محفوظ

(تلگرافی مخصوص اداره)

از انزلی — حبل المتین برای تحقیق حریق کرکانرود
از انجمن رشت میر احمد نام وضیاء الذا کرین و یوز باشی
حبیب مامور شده بودند نتیجه این حضرات امروز سه
عجله با دو قبضه تفنگ مارتین و یک خورچین مسکوک
تعارف کامل وارد تا کیدامازم رشت شده مجاهدین تاخیر
دار شدند حضرات غایب فقط اسب تعارف سواری آنها
ضبط انجمن انزلی شده آفرین بر زرکی از رفیع السلطنه
انجمن سخت دتبال دارد (ابوذر)

(تلگرافات خارجه)

اعلیحضرت ادوارد باملکه وارد دویلن پای تخت
ایر لاند گردیدند اهالی بمنتهای در چه پذیرائی نموده
و فریاد شاهنشاه زنده باد بلند نمودند اعلیحضرت معظم
ببازار اکس یوزیسون کتریف فرما شدند کثرت جمعیت
باندازه بود که امکان عبور و مرور برای احدی نبود
مابین اجزای اناره بحری فرانسه عات مذمومه استعمال
مربک بحدی منتشر شده که دولت مجبور بتعیین دستور العمل
و وضع قوانین مخصوصه سخت بجهت دفع و رفع این دشمن
بزرگ نموده و بصاحبمنصبان و فرماندهان بحری فرستاده
است که بموقع اجرا گذارند و همچنین صورت لایحه
بعموم صاحبمنصبان فرستاده اند که بیش از پیش در اجرای
قوانین مجد و سعی نمایند

(اعلان و اطلاع)

محکمه و کارخانه دندانسازی دکتر کریکوریان اول
خیابان لاله زار روی پستخانه مبارکه واسطه ببلایق رفتن
روز های جمعه و یکشنبه تعطیل است ولی روز های
دیگر از چهار ساعت بظهور مانده الی یک و نیم بشروب
آفتاب مانده بجهت معالجه حضرات

(دکتر کریکوریان دندان ساز)

(اعلان)

ماشین که از برای گیلز سیکار با مشتوک از اول کارخانه
آلمان بهترین ماشین هاست برای ساختن گیلز و ضمناً هم
فروخته میشود کاغذ برای مشتوک گیلز — آدرس تلگرافی
و کاغذ (پامگوبچ باکو

حسین الحسینی الکامانی